

درخواست طلاق به خاطر اینستاگرام

9 دی 1402

زن جوان که از وقت‌گذرانی شوهرش در اینستاگرام و راه انداختن چالش‌های مختلف و ارتباط با زنان و دختران ناشناس در فضای مجازی خسته شده بود با مراجعه به دادگاه درخواست طلاق داد.

چند روز قبل زوج جوانی وارد شعبه دادگاه خانواده شدند و وقتی قاضی از آنها خواست علت درخواست طلاق را با جزئیات بیان کنند در همین موقع زن جوان از جای خود بلند شد و گفت: علت طلاق خیانت شوهرم به من خیانت کرده است، او همیشه در اینستاگرام به دنبال زنان و دختران است و به آنها پیام می‌دهد.

قاضی رو به مرد جوان کرد و گفت، پسرم همسرت درست می‌گوید؟

نه جناب قاضی این‌طور نیست. من مدتی قبل در اینستاگرام یک چالش گذاشته بودم که با همسرم غزاله هم در آن چالش آشنا شدم و کار به ازدواج رسید. تقریباً چند ماه دوست بودیم و بعد هم عقد کردیم. اوایل زندگی خوبی داشتیم تا اینکه کم‌کم غزاله شروع کرد به بهانه‌گیری و اینکه چرا من وقتم را در اینستاگرام می‌گذرانم یا اینکه چرا دختران غریبه در اینستاگرام برای من پیام می‌گذارند. هرچه به او می‌گفتم من کاری با آنها ندارم، باورش نمی‌شد و کم‌کم به من بی‌اعتماد شد. هر بار من باید قسم می‌خوردم تا او باور کند من خیانت نکرده‌ام. ارتباط من با دختران در اینستاگرام فقط در حد چند تا پیام ساده است و من نمی‌دانم چرا غزاله این‌طور رفتار می‌کند.

غزاله گفت: آقای قاضی ارتباط آنها ساده نیست، دائم با آنها بگو و بخند می‌کند.

کیوان سریع پاسخ داد: من در اینستاگرام پست‌های خنده‌دار و چالشی و شاد می‌گذارم و طبیعی است که افراد برایم پیام‌های مختلفی می‌گذارند اینکه دلیل بر خیانت یا ارتباط عاشقانه با کسی نیست. این روابط در فضای مجازی امری طبیعی و عادی است.

زن جوان که از شنیدن این حرف‌ها عصبانی شده بود، گفت: آقای قاضی من باور نمی‌کنم فقط یک ارتباط ساده باشد. باور کنید خودم دیدم پیام‌های عاشقانه می‌فرستند. او با همین حرف‌ها و پیام‌ها مرا خام خودش کرد و باعث شد من به خواستگاری‌اش جواب بدهم. اصلاً اگر راست می‌گوید چرا گوشی موبایلش را نمی‌دهد من پیام‌هایشان را بخوانم؟



کیوان در پاسخ گفت: چک کردن تلفن همراه دیگران کار درستی نیست چون یک وسیله شخصی است. ضمن اینکه ندادن موبایل به او دلیل نمی‌شود که من در حال خیانت کردن باشم. من از روز اول همین بودم و او خودش با علم به اینکه من چه عادات و شخصیت و رفتاری دارم با من ازدواج کرد. اما انگار او دچار بیماری بدبینی شده زیرا هم خودش را آزار می‌دهد و هم مرا.

زن جوان گفت: اگر من بیمارم پس طلاقم بده تا هر دو از دست همدیگر راحت شویم.

قاضی وقتی متوجه شد گفت‌وگوی آنها در حال تبدیل شدن به یک مشاجره شدید است با معرفی آنها به مشاور، ختم جلسه را اعلام و وقت جلسه بعدی را برای دو ماه آینده تعیین کرد.